

آنتولوژی بسمله، دریچه‌ای برای ایجاد هستی‌شناسی معارف قرآن

حسین حسن‌زاده*

استادیار سازماندهی اطلاعات و مدارک اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰).

چکیده

این مقاله با هدف ارائه مدلی جدید برای کشف روابط معنایی مفاهیم حوزه علوم و معارف قرآن، موضوع بسمله را با نگاهی هستی‌شناسانه مورد بررسی قرار داده است. پرسش پژوهش این است آیا در عصر حاضر که عصر فضای مجازی و انفجار اطلاعات است امکان دارد نقشه‌ای جامع از مفاهیم در حوزه معارف قرآن و مطابق با واقعیت آن مفاهیم در منابع دینی ترسیم نمود؟ برای پاسخ به این پرسش و دستیابی به هدف مذکور و با روش توصیفی و تحلیلی، نقشه هندسی موضوع «بسمله» با استفاده از بستر آنتولوژی که شیوه‌ای نوین برای سازمان‌دهی اطلاعات در علم دانش‌شناسی ترسیم گردد؛ استفاده از این بستر به دلیل ماهیت هستی‌شناسانه‌اش سبب می‌شود روابط معنایی بین مفاهیم در یک حوزه به طور دقیق، صریح و شفاف و مطابق با واقعیت یک مفهوم بر قرار شود و در نتیجه، نقشه یک حوزه علمی و معرفتی به طور دقیق ترسیم گردد. یافته تحقیق بیانگر آن است که در نقشه هندسی بسمله، مفاهیم مختلفی با بسمله ارتباط وجودی (ارتباطات موجود و مطابق با منابع دینی اعم از قرآن، روایات و تفاسیر) داشته که جزئیات این روابط در این مقاله به طور دقیق تبیین گردیده است. مفاهیمی که با بسمله ارتباط معنایی دارند عبارتند از: مسأله نجات، تجوید، قرائت و قُرْآن، ابتدا و انتهای سوره، اسم الهی و اسم اعظم، جهر و اخفات نماز، صحت و بطلان نماز، پذیرش ورد دعا، صحت و بطلان عمل، ادب سخن با پروردگار و ...

واژگان کلیدی: بسمله، آنتولوژی، آنتولوژی بسمله، آنتولوژی معارف قرآن، مدیریت اطلاعات معارف قرآن.

* Email: shaakhali@gmail.com

۱. مقدمه

قرآن دریایی است که امکان ادراک قعر (نهایت) آن وجود ندارد. «و بحرًا لا يُدْرَكُ قَعْرُهُ» (نهج البلاغه/ ۱۸۹) و به قول محی الدین عربی «یأتی القرآن یوم القیامة بکراً» روز قیامت، قرآن، بکر و دست نخورده وارد محشر می‌شود (ر.ک؛ ابن عربی، بی تا: ۶۶) بنابراین به رغم تلاش‌های فراوانی که در طول تاریخ اسلام برای فهم این کتاب الهی شده است، اما هنوز جای خالی پژوهش‌هایی که می‌تواند محققان را در فهم بهتر و بیشتر قرآن یاری رساند وجود دارد که یکی از این پژوهش‌ها تدوین آنتولوژی قرآن و معارف قرآن است. مسأله این است که مدیریت اطلاعات معارف قرآن از طریق تدوین آنتولوژی معارف قرآن این قابلیت را دارد تا فهم دقیق‌تری را در اختیار محققان قرار داده و بستر را برای تولید دانش جدید در این حوزه فراهم نماید. در باره پیشینه مدیریت اطلاعات معارف قرآن باید گفت کارهای خوبی در این حوزه انجام شده است که تهیه نرم افزارهای جامع قرآن و تفاسیر با قابلیت جستجوی واژه‌ای مانند نرم افزار جامع التفاسیر نور، شده است که طبعاً کمک‌های زیادی هم به محققان کرده است؛ اما به دلیل این که این سنخ از کارها عموماً در قالب تجمیع منابع دیجیتالی بوده و از یافته‌ای بشری برای مدیریت اطلاعات کمتر استفاده شده است.

آن‌گونه که باید و شاید در خدمت تولید دانش در حوزه قرآن و معارف قرآن نبوده است. از جمله کارهایی که در واقع جزء کارهای آکادمیک در حوزه مدیریت اطلاعات معارف قرآن است تدوین اصطلاح‌نامه معارف قرآن است و بحمدلله پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن اقداماتی را در جهت مدیریت اطلاعات معارف قرآن با استفاده از اصطلاح‌نامه معارف قرآن انجام داده است که قابل تمجید است. این سنخ کارها اگر چه لازم ولی نواقصی دارد که یکی از آن‌ها عدم امکان دسترسی کاربران به موضوعات مورد نظر خود با ویژگی سرعت، دقت، سهولت، جامعیت و مانعیت است. به نظر می‌رسد تدوین آنتولوژی معارف قرآن می‌تواند تا حدی این نقیصه را مرتفع نماید؛ علاوه بر

این آنتولوژی معارف قرآن به دلیل استفاده از رایانه و وب‌معنایی، ویژگی‌هایی دارد که اصطلاح نامه معارف قرآن فاقد آن است و آن عبارت است از:

الف. برون داد آن نقشه‌ای دقیق، گویا، شفاف و جامع از معارف قرآن است.

ب. امکان تولید دانش جدید یعنی آگاهی‌های پنهانی که غالباً مورد توجه صاحب‌نظران قرار نمی‌گیرد از طریق آنتولوژی معارف قرآن آشکار می‌گردد.

ج. امکان به اشتراک گذاری نقشه معارف قرآن برای تکمیل آن توسط صاحب‌نظران دیگر وجود دارد. تلفیق این دو در کنار هم الحق و الانصاف بستر بسیار مناسبی برای دست‌یابی به اطلاعات شفاف و منظم در حوزه معارف قرآنی با ویژگی سرعت، دقت، سهولت، جامعیت و مانعیت است. مع‌الاسف عمده استفاده از ظرفیت‌های مذکور در باره پژوهش‌های قرآنی، استفاده از بخش اخیر یعنی تکنولوژی رایانه بوده‌است و آنچنان که باید و شاید از دست‌آوردهای دانشمندان علم اطلاعات در حوزه مدیریت دانش، استفاده نشده‌است.

بدیهی است کشف دقیق، صریح و شفاف ارتباط میان یک مفهوم با مفاهیم دیگر که مشخصه اصلی آنتولوژی است، دایره‌معنایی آن مفهوم را به صورت دقیق ترسیم کرده و بدین وسیله، زمینه فهم کامل‌تر و جامع‌تر آن مفهوم را فراهم می‌سازد. اگر خواسته باشیم تنها روی یکی از ویژگی آنتولوژی‌ها تأکید کنیم همانا عدم تبعیت از منطق اثبات یا نفی است که مشهور به منطق ارسطویی است و همین ویژگی بر ساختارهای متخذ از آنتولوژی تأثیر می‌گذارد؛ لذا ساختار متخذ از آنتولوژی‌ها ساختاری دووجهی نبوده و در این جهت از منطق فازی تبعیت می‌کند. منطق کلاسیک ارسطویی تنها دو حالت برای موقعیت‌های مختلف قائل است؛ سیاه و سفید، آری و نه، روشن و تاریک، صفر و یک، درست و غلط. حال آن‌که قائلین به تفکر فازی معتقدند ابهام در ماهیت علم است. یعنی همان‌طور که این ابهام‌ها در ذهن بشر وجود داشته و بشر با درک و توجه به این ابهام‌ها در ذهن خود پدیده‌ها را مدل‌سازی می‌کند، منطق فازی نیز سعی دارد مدل‌هایی ارائه دهد که ابهام را به عنوان بخشی از سیستم ارائه کند. با کمک منطق فازی می‌توان شیوه تفکر انسان را به فناوری منتقل کرد (ر.ک؛ علی‌محمدی، ۱۳۸۹: ۲۵۶؛ قانعی، ۱۳۹۶: ش ۱، ۱۳۵).

در منطق فازی ارزش هر گزاره همواره بین صفر و یک تعریف می‌شود نه در مجموعه صفر و یک؛ یعنی امکان بیان یک گزاره به صورت نسبتاً درست یا نسبتاً نادرست وجود دارد به همین جهت منطق فازی دارای انعطاف پذیری فوق‌العاده‌ای برای تحلیل معانی زبان طبیعی است (ر.ک؛ الهی، ۱۳۷۸: ش ۱۰، ۱۳۷) جهتش این است که اساس آنتولوژی‌ها بر محور پویایی ساختار و چند وجهی بودن آن و ایجاد روابط غیر خطی و شبکه‌ای میان مفاهیم است (ر.ک؛ فتاحی، ۱۳۹۵: ۴۱۷). در این مقاله که با روش توصیفی تحلیلی، پژوهش شده سعی شده است پس از پاسخ به دو پرسش چپستی ساختار و ارکان آنتولوژی معارف قرآن و الزامات ایجاد آنتولوژی معارف، آنتولوژی بسمله به عنوان نمونه‌ای از آنتولوژی معارف قرآن ترسیم گردیده است. البته با اذعان به این که ارتباط معنایی این مفهوم به مفاهیم دیگر به مراتب بیش از آن است که در این مقاله فراهم آمده است؛ لیکن من حیث المجموع می‌تواند دریچه‌ای برای ایجاد آنتولوژی برای کل معارف قرآن باشد که بی‌شک پروژه‌ای بسیار سنگین، حجیم اما نو و بدیع است. با توجه به تتبع نگارنده، تاکنون پژوهشی در خصوص «آنتولوژی معارف قرآن» نشده است؛ به همین جهت این مقاله، نو و بدیع به نظر می‌رسد. قبل از ورود به بحث اصلی مقاله، ایضاً مفهومی بعضی از مفاهیم، لازم است.

۲. بسمله

بسمله نام اختصاری «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است که به آن آیه «تسمیه» (ر.ک؛ آمدی، بی‌تا: ج ۱، ۱۴۰) و «بسمله» می‌گویند.

۳. تعریف آنتولوژی

مفهوم آنتولوژی یا هستی‌شناسی را باید در زمره مفاهیم مشترک لفظی برشمرد؛ جهتش این است که بار معنایی این مفهوم در فلسفه، متفاوت با بار معنایی آن در علم کتاب‌داری یا علم دانش‌شناسی است؛ البته این مطلب به معنای نفی مطلق ارتباط معنای این اصطلاح در علم

دانش‌شناسی با معنای فلسفی آن نیست. این واژه از آغاز دهه ۱۹۹۰ از فلسفه وارد هوش مصنوعی شد و به یکی از مباحث پژوهشی مهم در علوم رایانه تبدیل گردید و در حوزه‌های مختلف هوش مصنوعی از قبیل مهندسی دانش، پردازش زبان طبیعی و بازنمون دانش (ر.ک؛ صفری، ۱۳۸۳: ۷۹) مهندسی نرم‌افزار، پایگاه‌های داده و وب معنایی مورد مطالعه قرار گرفت. تعریف‌های متعددی از این مفهوم ارائه شده است؛ گروبر^۱ آنتولوژی را تشخیص روشن، واضح و ذکر خصوصیات صریح از مفاهیم می‌داند (ر.ک؛ شیخ شعاعی، ۱۳۸۴: ۱۸۹؛ صنعت‌جو، ۱۳۸۴: ۸۴؛ صفری، ۱۳۸۳: ۸۰). سورگل^۲ معتقد است هستی‌شناسی‌ها شکل گسترش‌یافته رده‌بندی‌ها با هدف کمک به کاربران در بازیابی متون بر روی وب است (ر.ک؛ صنعت‌جو، ۱۳۸۴: ۸۴) از نظر «سوآ» آنتولوژی ذکر مشخصاتی از انواع مدخل‌ها در یک حوزه موضوعی خاص و نیز انواع روابط خاص است که در یک ترتیب جزئی و ساده سازمان یافته‌اند (همان، ۸۵).

این تعاریف به رغم تفاوت در تعابیر، یک نقطه اشتراک دارند و آن عبارت از برقراری نظام سیستماتیک، عینی و گویا میان مفاهیم در یک حوزه خاص است و به نظر می‌رسد تنها تفاوت اساسی میان اصطلاحنامه و آنتولوژی در همین قید اخیر (گویایی رابطه بین مفاهیم) باشد. مقصود از «گویایی رابطه بین مفاهیم» کاهش ابهام مفهومی و وجود روابط معنایی روشن و دقیق میان مفاهیم یک علم است (ر.ک؛ بهشتی، ۱۳۹۳: ۶۷۸). وجود روابط معنایی دقیق در هستی‌شناسی‌ها برای بهبود و تقویت سیستم‌های بازیابی و فرایندهای خودکار استدلال ماشینی و همچنین وب معنایی بسیار مهم و لازم است (همان). رویکرد حاکم بر طراحی و توسعه هستی‌شناسی‌ها بر آن است تا به جای ساختار ایستای اصطلاحنامه‌ها که عمدتاً مبتنی بر روابط سلسله‌مراتبی میان مفاهیم بنا می‌شود، ساختاری پویا و چندوجهی به دست دهد و میان مفاهیم، روابطی غیرخطی و شبکه‌ای برقرار سازد؛ همچنین این رویکرد به دنبال آن است که بازنمون دانش را هرچه بیشتر از زبان مصنوعی منفک کند و به زبان طبیعی و واقعی نزدیک سازد؛ از این جهت

^۱ Gruber

^۲ Sorgel

هستی‌شناسی‌ها نسبت به اصطلاح‌نامه‌ها می‌توانند منطقاً بازنمون کارآمدتری و رضایت‌بخش‌تری از دانش ارائه دهند (ر.ک؛ فتاحی، ۱۳۹۵: ۴۱۷).

۳-۱. آنتولوژی بسمله

آنتولوژی بسمله، مجموعه‌ای از اطلاعات درباره بسمله است که به گونه‌ای هستی‌شناسانه و از طریق دسته‌بندی اصطلاحات و کلیدواژگان مرتبط با بسمله و ایجاد روابط دقیق، صریح، شفاف و گویا میان آن‌ها سازمان‌دهی شده و مدیریت می‌شود.

۴. ساختار آنتولوژی بسمله

ساختار آنتولوژی بسمله بر محور سه رکن به شرح ذیل است:

۴-۱. کلاس‌ها (مفاهیم)

کلاس‌ها که طبقه اول مجموعه واژگانی در آنتولوژی‌ها را تشکیل می‌دهند در حقیقت همان مفاهیم کلان یک حوزه علمی یا رشته علمی و یا مفاهیم کلان مجموعه‌ای از اطلاعات هستند که با هدفی خاص در کنارهم گرد آمده‌اند. برخی «کلاس» را این گونه تعریف کرده‌اند: «گروهی از موجودات یا اشیا که دارای ویژگی‌های مشابهی هستند. گاهی به جای این اصطلاح در ادبیات هستی‌شناسی، از واژه «مفهوم» استفاده می‌شود» (شریف، ۱۳۸۷: ۱۰۵). مقصود از ویژگی‌های مشابه اموری است که توجیه‌کننده اندراج زیرکلاس‌ها تحت یک کلاس می‌باشند که شامل مفاهیم دارای اشتراک معنوی و هر نوع رابطه صریح، دقیق و شفاف یک کلیدواژه با کلاس (مفهوم) مذکور است؛ بنابراین مفهوم بسمله، خود یک کلاس در حوزه آنتولوژی معارف قرآن است.

۲-۴. نمونه‌ها (زیرکلاس‌ها)

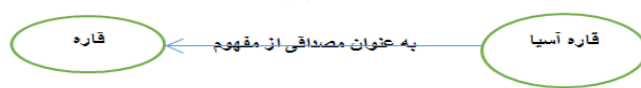
به هر یک از اعضای کلاس (مفهوم)، نمونه گفته می‌شود؛ یک نمونه می‌تواند به چندین کلاس تعلق داشته باشد. نمونه‌ها، به مراتب بیشتر از تعداد کلاس‌های موجود در هستی‌شناسی‌ها است، تعداد کلاس‌های یک هستی‌شناسی ممکن است از صدها تا ده‌ها هزار باشد در حالی که تعداد نمونه‌ها یا زیر کلاس‌ها از صدها تا صدها هزار و یا حتی بیشتر باشد (ر.ک؛ پایدار، ۱۳۸۹: ۷) بخش قابل توجهی از اصطلاحات و کلیدواژه‌ها در آنتولوژی را نمونه یا زیرکلاس تشکیل می‌دهد. نمونه‌ها در حقیقت همان مصادیق عینی و واقعی مرتبط با مفهوم عام هستند و عینیت و واقعیت یک نمونه نیز در گرو ارتباطات غیر مبهم، دقیق و صریح آن با مفهوم عام است؛ به همین جهت نمونه‌ها اختصاص به کلید واژگان اخص (اعم از اخص‌های جنس و نوعی، جزء و کل و یا مورد و مصداق یک مفهوم عام) نداشته و شامل هر نوع کلیدواژه‌ای می‌شود که با مفهوم عام (کلاس) ارتباط عینی و واقعی دارد. چنین رابطه‌ای سبب می‌شود واقعیت علم، همان‌گونه که هست نمایان شود؛ به تعبیر «اورمان کواین^۳» علم، ارجاع سرراست و بدون ابهام به آن چیزی است که وجود دارد (ر.ک؛ فتاحی، ۱۳۹۵: ۳۷۲) با توجه به همین مطلب، کلید واژه «وصل بسمله به سوره‌ها» یکی از زیرکلاس‌های بسمله و اسامی افرادی همچون حمزة بن حبيب بن عماره بن اسماعیل زيات تمیمی کوفی، خَلَف ابن‌هشام بن طالب بَرّاز بغدادی، یعقوب بن اسحاق بن زید بن عبدالله، ابومحمد حضرمی بصری، ابومحمد یحیی بن مبارک بن مغیره عدوی یزیدی متولد، عبدالله بن عامر یَحْضَبی دمشقی و عبدالله بن ابوالحسن علی بن حمزة بن عبدالله اسدی کوفی معروف به کسائی به عنوان زیر کلاس‌های کلید واژه «وصل بسمله به سوره» هستند.

³ Orman Quine

۳-۴. رابطه (خصیصه)

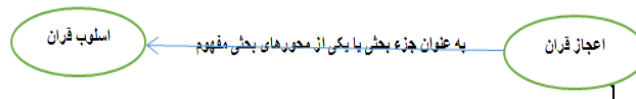
رکن سوم آنتولوژی بسمله را وجود «رابطه» تشکیل می‌دهد که در اصطلاح هستی‌شناسی به آن «خصیصه» نیز گفته می‌شود (دوخانی، ۱۳۹۲، ص ۴۱۴). تحقق عینی و اثر بخش آنتولوژی بسمله متوقف بر رعایت دقیق این رکن است و این مهم نیز بدون نگاه هستی‌شناسانه میسر نیست و مقصود از نگاه هستی‌شناسانه این است که ایجاد رابطه میان کلاس‌ها با زیرکلاس‌ها (نمونه‌ها) منطبق با واقع باشد و این واقعیت نیز به تناسب موضوعی که بناست اطلاعاتش مدیریت بشود متفاوت است؛ واقعیت یک پدیده مادی مثل زمین با واقعیت یک حوزه علمی مثل معارف قرآن، تفاوت دارد. مثلاً رابطه هستی‌شناسانه میان مفهوم قاره به عنوان یک «کلاس» با قاره آسیا و قاره آفریقا به عنوان «زیرکلاس‌ها» در آنتولوژی زمین که یک پدیده مادی است رابطه مفهوم و مصداق خارجی آن است؛ یعنی این رابطه، کاملاً مطابق با واقعیت خارجی و عینی زمین است.

تصویر ۱.



اما در آنتولوژی‌های علوم اسلامی مثل آنتولوژی علوم قرآن، طبعاً رابطه هستی‌شناسانه میان مفهوم اسلوب قرآن به عنوان یک «کلاس» با اعجاز قرآن و تاریخ قرآن به عنوان «زیرکلاس‌ها» رابطه جزء بحثی است.

تصویر ۲.



در هر صورت مهم این است که ایجاد رابطه در آنتولوژی‌ها بر اساس نگاه واقعی و هستی‌شناسانه است و نیل به این مطلوب نیز تنها از طریق ترسیم روابط میان زیر کلاس‌ها با کلاس‌ها به

صورت کامل، غیر مبهم، دقیق، شفاف و صریح حاصل می‌شود؛ مهمترین فایده روابط تعریف شده (شفافیت نوع ارتباط) این است که:

اولاً: مانع ورود اصطلاحات و کلیدواژگان بی‌هویت در پیکره آنتولوژی معارف قرآن می‌گردد زیرا هویت یک کلیدواژه به نوع ارتباط آن با سایر کلیدواژگان است؛ و نوع ارتباط نیز باید منطبق با واقعیت معارفی باشد که در منابع موجود مربوط به قرآن وجود دارد.

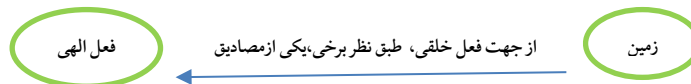
ثانیاً: هر اصطلاح و کلیدواژه‌ای به دلیل همان روابط صریح، دقیق، کامل، غیر مبهم و شفاف بین واژگانی و مطابق با معارف قرآن موجود، در جایگاه حقیقی خود از جهات مختلف از جمله از حیث تقدم و تأخر قرار می‌گیرد. و این ویژگی را نمی‌توان آن‌گونه که باید در ساختار مبتنی بر اصطلاح‌نامه معارف قرآن لحاظ نمود؛ دلایل عدم امکان ذکر نوع رابطه با ویژگی‌های مذکور در اصطلاح‌نامه است؛ به همین جهت بسیاری از اصطلاحات و کلیدواژگان معارف قرآن در اصطلاح‌نامه معارف قرآن در جایگاه حقیقی خود قرار نگرفته‌اند؛ از باب نمونه، مشخص نیست بر چه اساس، مفاهیمی مثل بهشتیان، جهنمیان و اقلیت‌های دینی مثل مجوس و یهود و مسیحیت در اصطلاح‌نامه معارف قرآن به عنوان وابسته معارف قرآن آمده است نه جزء معارف قرآن (ر.ک: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳ و ۱۶۸ و ۸۹). و از سوی دیگر، انبیاء که از مصادیق قطعی بهشتیان هستند به عنوان مصادیق (اعم و اخص مصداقی در اصطلاح‌نامه) بهشتیان نیامده است؛ با وجود این که خود واژه انبیاء و اخص‌های آن در نهایت به عنوان زیر مجموعه معارف قرآن آمده است (همان، ۹۷).

* نکته مهم در باره «خصیصه» (روابط تعریف شده آنتولوژی)

درباره رکن سوم آنتولوژی بسمله یعنی وجود «رابطه» (خصیصه) اشاره گردید که این روابط باید از هر جهت گویا و شفاف باشد و یکی از راه‌های تحقق این امر این است که از آوردن مفاهیم دارای بار معنایی عام اجتناب شود و این‌گونه مفاهیم حتماً با قیود پذیرفته شده صاحب نظران حوزه معارف قرآن آورده شود؛ مانند: واژه «سبب»، «مانع»، «فعل»، «مصدّق» و ... فی‌المثل در قرآن کریم در باره «زمین» از جهات مختلف بحث شده است مانند: «جعل لکم الارض فراشا» (بقره:

۲۲) چه این که در باره فعل الهی هم سخن به میان آمده است مانند: «ان الله يفعل ما يريد» (حج: ۱۴) سؤال این است که رابطه کلید واژه «زمین» با کلید واژه «فعل الهی» چه نوع رابطه‌ای است. آنچه در ابتدا به ذهن می‌رسد این است که رابطه این دو کلید واژه، رابطه مصداقی است یعنی زمین، مصداقی از فعل الهی است اما آیا در نزد صاحب نظران حوزه معارف قرآن نیز به همین رابطه کلی اکتفا شده است؟ اگر در همه منابع تفسیری و منابع مربوط به حوزه معارف قرآن به همین رابطه کلی اکتفا شده باشد، هنگام ارتباط میان این دو کلید واژه نیز باید به همان رابطه اکتفا شود؛ زیرا رابطه عینی و واقعی میان این دو کلید واژه، همین رابطه کلی مورد و مصداقی است؛ اما اگر در منابع تفسیری این رابطه مصداقی، مقید به قیود باشد طبعاً رابطه واقعی میان دو کلید واژه مذکور نیز رابطه مصداقی با در نظر گرفتن همان قیود است و در آنتولوژی باید به آن توجه شود. مثلاً برخی «زمین» را از مصداق فعل خلقی (در مقابل فعل امری) خداوند دانسته‌اند (ر.ک؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۵۱) بنابر این در آنتولوژی می‌بایست این مورد به شکل زیر لحاظ شود:

تصویر ۳.

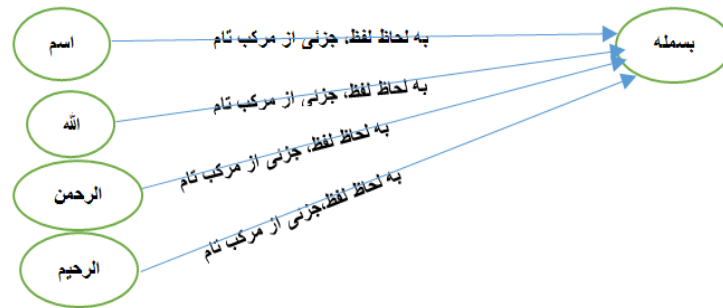


در هر صورت ایجاد رابطه هستی‌شناسانه میان زمین و فعل الهی منوط به انطباق آن با دیدگاه‌های همه مفسران و صاحب نظران حوزه معارف قرآن است و این دیدگاه‌ها باید هنگام ایجاد رابطه (خصیصه) در آنتولوژی مورد توجه قرار گیرد تا نقشه معارف قرآن که از طریق گراف آنتولوژی منعکس می‌شود نقشه‌ای صریح، گویا و جامع باشد.

مثال دیگر، رابطه «اضلال» با «فعل الهی» است؛ بی‌شک، اضلال نیز نوعی از افعال خداوند است همچنان که فرمود ﴿يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ (بقره/۲۶)

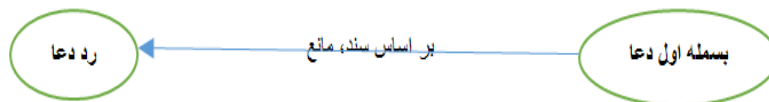
اما آیا این فعل، جزء افعال ابتدایی و مستقیم است یا در زمره افعال ثانوی، غیر مستقیم و کیفری. نمونه دیگر از الفاظ دارای بار معنایی عام، رابطه جزئیت است مثل رابطه جزئیت اسم و الله و الرحمن و الرحیم نسبت به بسمله. گویایی روابط در آنتولوژی ایجاد می‌کند برای ایجاد ارتباط بین الله و بسمله، به لفظ جزء بسنده نشود زیرا رابطه عینی و واقعی الفاظ مذکور با بسمله، رابطه «به لحاظ لفظ، جزئی از مرکب تام» است که به شکل زیر منعکس می‌شود:

تصویر ۴.



مثال دیگر رابطه مانعیت میان «بسمله اول دعا» با «رد دعا» است؛ در این مورد نمی‌توان گفت بسمله اول دعا مانع رد دعا است بلکه باید رابطه آن به شکل زیر شفاف شود:

تصویر ۵.



۵. آنتولوژی و تولید دانش

برای آنتولوژی کارکردهای انحصاری علاوه بر اشتغال بر کارکردهای اصطلاح‌نامه ذکر کرده‌اند مانند: پردازش اطلاعات توسط ماشین؛ ارائه دانش مفهومی به طور واضح و روشن همراه با معانی دقیق آنها به طوری که این تفسیر غیر مبهم از اصطلاحات در قالب قواعد و توسط ماشین نیز به سهولت قابل استفاده است؛ رفع ابهام‌های معنایی در روابط میان مفاهیم؛ سهولت ویرایش برای روزآمدسازی هستی‌شناسی و... (ر.ک؛ صنعت جو، ۱۳۸۴: ۸۷) تردیدی نیست که این موارد جزء کارکردهای آنتولوژی‌هاست؛ لیکن به نظر می‌رسد آنچه از همه بیشتر می‌تواند مورد توجه محققان قرار گیرد مسأله قابلیت آنتولوژی برای تولید دانش جدید است و این قابلیت نیز به خاطر رکن سوم یعنی «روابط تعریف شده» است. مقصود از خلق دانش جدید، دانش به معنای رشته علمی نظیر فیزیک و شیمی و... نیست بلکه نوعی از آگاهی جدید است که قبلاً به طور تفصیل در ذهن صاحب نظران یک حوزه دانشی نبوده است؛ و این ویژگی به دلیل استفاده آنتولوژی از بستر وب معنایی و هوش مصنوعی است. البته اصطلاح‌نامه نیز به نوعی دارای ارزش افزوده است؛ اما گستره کمی و کیفی آن قابل مقایسه با آنتولوژی نیست. ممکن است گفته شود با گسترده‌تر شدن روابط اصطلاح‌نامه‌ای نیز می‌توان به این هدف نایل شد. جوابش این است که ساختار اصطلاح‌نامه‌ها (با توجه به استانداردهای موجود آن) این را بر نمی‌تابد؛ یعنی روابط اصطلاح‌نامه‌ای در همان روابط اساسی سه‌گانه (رابطه ترادف و هم‌ارزی، رابطه عام و خاص و رابطه وابسته) خلاصه می‌شود، و گویا کردن روابط، در وضعیت موجود اصطلاح‌نامه، ممکن نیست؛ مگر این‌که گفته شود می‌توان با تغییرات در بافت اصطلاح‌نامه، زمینه‌جویایی، شفافیت، دقت و صراحت روابط را فراهم کرد و بدین وسیله به هدف مذکور رسید؛ جوابش این است که در این صورت این همان آنتولوژی است. آنتولوژی به دلیل بافتی که دارد می‌تواند در زمینه کشف دانش (آگاهی) جدید در خدمت محققان بوده و اطلاعاتی که تا کنون در هیچ منبع اطلاعاتی به طور صریح ذکر نگردیده را در اختیار کاربران قرار دهد. برای نمونه اطلاعات فراوانی از منابع تفسیری درباره موضوع «بسمله» وجود دارد

مانند این روایت پیامبر(ص) که فرمود: «إذا قال المعلم للصبي: [قل: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ] فقال الصبي: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ] كتب الله براءة للصبي، و براءة لأبويه، و براءة للمعلم [من النار]» ترجمه: زمانی که معلم به کودک می‌گوید: بگو بسم الله، و کودک هم می‌گوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، خداوند می‌نویسد برائت از آتش را برای کودک و پدر و مادر و معلم او (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج: ۱، ۱۰۰).

سازمان‌دهی این اطلاعات در قالب آنتولوژی، به شکل زیر است:

تصویر ۶.



با تأمل در شکل فوق که بخش بسیار کوچکی از آنتولوژی بسمله است مشخص می‌گردد اطلاعات مربوط به «بسمله» در حقیقت انعکاس روایت مذکور است با این تفاوت که در این شکل، نحوه ارتباط میان کلید واژگان به طور صریح و شفاف منعکس شده است: مثلاً رابطه عینی و خارجی «بسمله» با «بسمله کودک»، این است که کودک به عنوان گوینده بسمله است؛ و یا رابطه «بسمله کودک» با «کتابت الهی برائت از آتش» رابطه سببی است؛ از سویی کتابت الهی، نوعی فعل الهی است پس اگر خدای تعالی برای کسی برائت از آتش را بنویسد قطعاً او از آتش نجات خواهد یافت پس نوشتن برائت از آتش توسط خدای تعالی سبب نجات از آتش است. تبیین دقیق این روابط ناشی از رکن سوم آنتولوژی یعنی خصیصه (رابطه) است که در حقیقت انعکاس رابطه وجودی و عینی مفاهیم مذکور در متن روایت نسبت به دیگر مفاهیم است.

اما یک اطلاعات و آگاهی دیگر نیز در اینجا هست که جز از طریق آنتولوژی و با استفاده از ماشین (رایانه) قابل استنتاج نیست و آن رابطه سببیت «بسمله» نسبت به «نجات از آتش» است و این ارتباط نیز ارتباط منطقی است یعنی اگر چیزی به چند واسطه، سبب چیز دیگر است پس بدون واسطه نیز منطقی سبب آن است؛ به همین جهت در نمودار مذکور، بین «بسمله» و «نجات از آتش» رابطه سببیت بلا واسطه برقرار شده است. و این یک نوع دانش (آگاهی) جدید است. قطعاً این قبیل دانش جدید در قرآن و منابع حدیثی و تفسیری، فراوان است که از طریق آنتولوژی می‌توان آنها را آشکار نمود.

۶. الزامات ایجاد آنتولوژی معارف قرآن

ایجاد آنتولوژی معارف قرآن الزاماتی دارد که عبارت است از:

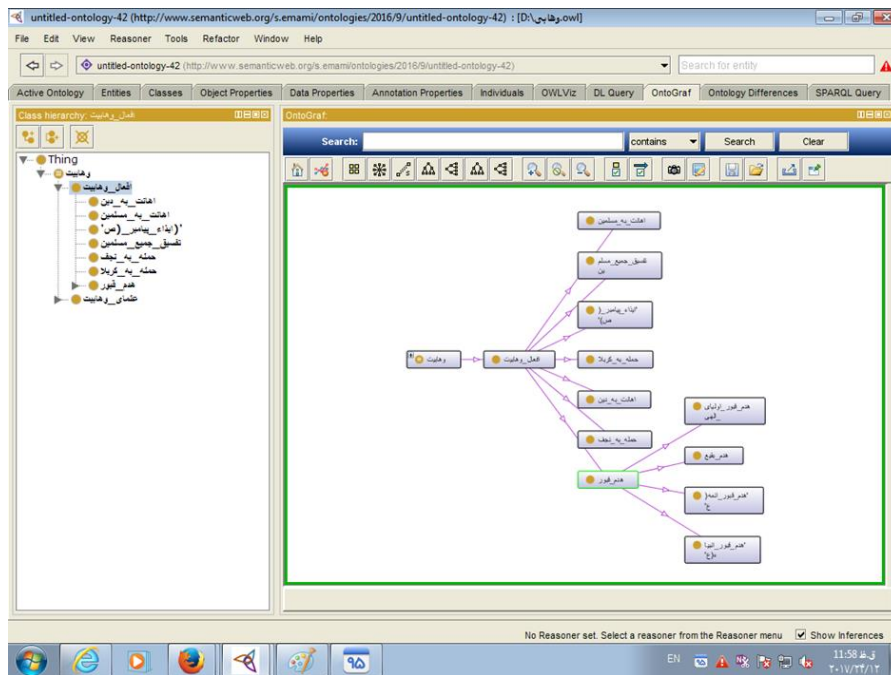
۶-۱. انتخاب اصطلاحات و کشف مفاهیم کلیدی (کلیدواژه‌های مناسب) معارف قرآن

به نظر می‌رسد اصطلاح‌نامه معارف قرآن بخشی از این راه را طی کرده است؛ اما هنوز کلیدواژه‌های فراوانی از معارف قرآن هست که می‌بایست توسط گروهی از کارشناسان اعم از کارشناسان حوزه علوم و معارف قرآن و کارشناسان مدیریت اطلاعات، شناسایی شده و به عنوان یک کلیدواژه دارای بار معنایی معارف قرآنی و با توافق گروهی از کارشناسان این حوزه، به مجموعه اصطلاحات افزوده شود؛ علاوه بر این به دلیل ماهیت آنتولوژی، اسامی افراد و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی (که معمولاً در اصطلاح‌نامه‌ها آورده نمی‌شود و در اصطلاح‌نامه معارف قرآن هم نیامده است) نیز در آنتولوژی معارف قرآن آورده می‌شود.

۲-۶. تهیه نرم افزار مناسب

همان‌گونه که پیشتر اشاره گردید، کاربرد اصلی آنتولوژی‌ها استفاده از ماشین است برخلاف اصطلاح‌نامه که از ابتدا برای ماشین، طراحی نشده‌است؛ به همین جهت برای ایجاد آنتولوژی معارف قرآن، قبل از هر چیز باید یک برنامه نرم‌افزاری مناسب برای آن در نظر گرفته شود. یکی از این نرم‌افزارها که امروزه برای ایجاد آنتولوژی‌ها از آن استفاده می‌شود نرم افزار «پروتج» است که شکل زیر نمونه گراف آن است.

تصویر ۷.



۳-۶. دسته‌بندی اصطلاحات و واژگان کلیدی

وجود ساختار و نقشه دقیق یک علم آثار متعددی دارد؛ زیرا سبب می‌شود تا اولاً احاطه مفیدی به کلیت علم پیدا شود؛ و ثانیاً مسیر پژوهش را پیش پای محققان باز کند؛ و ثالثاً نحوه انتقال مفاهیم به دانش‌پژوهان را به شکل مطلوب در اختیار اساتید و معلمان قرار دهد؛ به همین جهت تهیه ساختار یک حوزه علمی همواره یکی از نکات مورد توجه دانشمندان بوده و هر عالمی سعی کرده‌است تا ساختاری را ارائه کند که به نظر او جامع و مانع است. معارف قرآن نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بعضی تلاش کرده‌اند برای آن ساختاری جامع ارائه دهند؛ برای مثال در اصطلاح‌نامه معارف قرآن این ساختار بر چهار ضلع خداشناسی، جهان‌بینی، آخرت‌شناسی و جهان‌شناسی بنا نهاده شده‌است؛ البته با مراجعه به اصطلاح‌نامه مذکور می‌توان موارد متعددی را انگشت گذاشت که جزء معارف قرآن هستند با این وجود ذیل هیچ‌کدام از محورهای اصلی (موارد چهارگانه فوق) قرار نگرفته‌اند؛ مانند کلید واژه بسمله که به شکل ذیل دسته‌بندی شده‌است:

بسمله

ا.عم: تسمیه

ا.و: ذبیحه بی بسمله

آیه بسمله

اسم اعظم

طبق این شکل که نهایت آگاهی درباره بسمله در اصطلاح‌نامه معارف قرآن است، «بسمله» به عنوان اخص «تسمیه» و وابسته «ذبیحه بی بسمله» و وابسته «اسم اعظم» و وابسته «آیه بسمله» است (ر.ک؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۴: ۱۱۷) این اطلاعات علاوه بر این که اطلاعاتی بسیار اندک درباره بسمله است، بیانگر این است که بسمله، مترادف آیه بسمله نیست و در نتیجه زیر مجموعه معارف قرآن نیست؛ زیرا لازمه ارتباط وابستگی بسمله با آیه بسمله، جز این نیست و بر فرض اگر همه آگاهی‌هایی که در باره معارف قرآن وجود دارد در قالب کلیدواژه‌های متعدد در

اصطلاح‌نامه معارف قرآن تجمیع شود و ارتباطات هم‌ارزی، اعم و اخصی و روابط وابستگی آن به درستی چیش شود باز هم نمی‌تواند آنگونه که باید شاید، نقشه‌ای جامع و کامل و مطابق با واقعیت عینی معارف موجود در منابع تفسیری و روایی را منعکس نماید به همین جهت در تراز آنتولوژی معارف قرآن نیست؛ جهتش نیز شفافیت روابط در آنتولوژی و عدم شفافیت و ابهام در روابط اصطلاح‌نامه‌ای است؛ مثلاً نهایت بیان ارتباط میان کلیدواژه «بای بسمله» با «بسمله» در اصطلاح‌نامه، رابطه اعم و اخصی است و بیش از این، وظیفه‌ای بر دوش اصطلاح‌نامه نیست. آنتولوژی، به دلیل بافتش تا حد زیادی مسئله اختلاف نقشه‌ها ساختارهای یک حوزه علمی را که ناشی از اختلاف دیدگاه‌های عالمان است، به حداقل ممکن می‌رساند زیرا خود آنتولوژی، مشخص می‌کند کدام مفهوم در زمره‌عام‌ترین مفهوم (ابرکلاس‌ها) و کدام اصطلاح و کلید واژه در زمره زیر مجموعه‌ها (زیرکلاس‌ها) قرار می‌گیرد و این هم به خاطر رکن سوم آنتولوژی یعنی وجود «رابطه» یا «خصیصه» است که صریح، دقیق، کامل، غیرمبهم و شفاف است و این صراحت و شفافیت روابط، سبب می‌شود واقعیت معارف قرآن، همان‌گونه که هست منعکس شود و همین امر مانع اعمال سلیقه برای دسته‌بندی معارف قرآن شده و در نتیجه، ساختار و نقشه‌ای جامع و کامل از معارف قرآن را ترسیم می‌نماید.

۷. نقشه «بسمله» در آنتولوژی

در این بخش، در ابتدا اطلاعاتی از بسمله که در بعضی از منابع تفسیر آمده است ارائه می‌گردد. سطره به این اطلاعات با وجود این که در یک جا تجمیع شده است در مقایسه با احاطه به آن از درگاه گراف آنتولوژی بسمله، خود مبین جایگاه منحصر به فرد آنتولوژی در مدیریت اطلاعات و ارائه نقشه بی‌بدیل از یک حوزه علمی یا از یک موضوع خاصی مثل «بسمله» است. تذکر این نکته لازم است که قطعاً این اطلاعات، همه اطلاعات درباره بسمله نیست. بی‌شک استخراج همه اطلاعات درباره مسأله بسمله از منابع تفسیری، روایی و کتاب‌ها و مقالاتی که در این باره نوشته

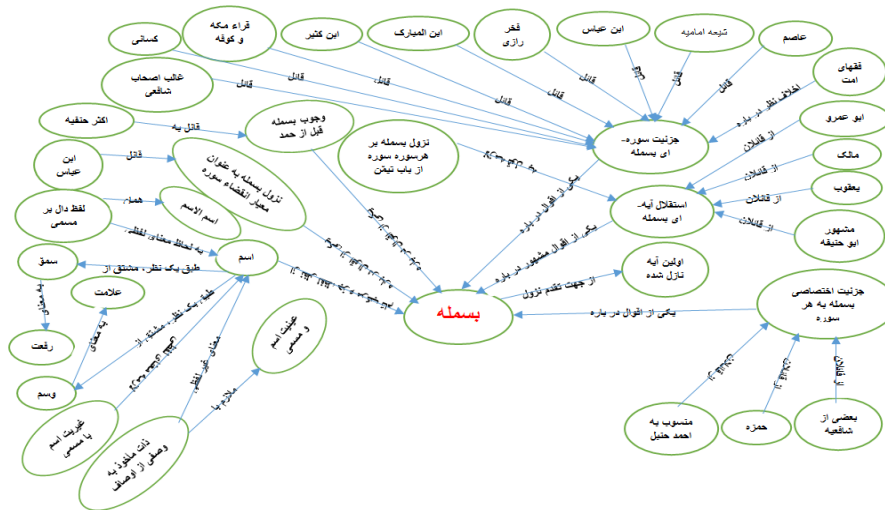
شده است به مراتب بیش از این خواهد بود؛ مثلاً همین آنتولوژی بسمله، خود، اطلاعاتی درباره بسمله است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. این اطلاعات که من حیث المجموع با دویا سه واسطه به بسمله مرتبط هستند به شرح ذیل است:

بسمله، از جهت تقدم نزول، اولین آیه نازل شده است (ر.ک؛ زرقانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۹۶) استقلال آیه‌ای بسمله، یکی از اقوال مشهور درباره بسمله است (ر.ک؛ خویی، ۱۳۹۵ق، ۴۳۹) جزئیت سوره‌ای بسمله، یکی از اقوال درباره بسمله است (همان، ۴۳۸) شیعة امامیه، ابن عباس، ابن المبارک، ابن کثیر، عاصم، کسائی، غالب أصحاب شافعی، قراء مکه و کوفه و فخر رازی از قائلان به جزئیت سوره‌ای بسمله‌اند (همان) فقهای امت که طبعاً همه فقهای شیعه از یک سو و فقهای سنی از سوی دیگر را شامل می‌شود در باره جزئیت سوره‌ای بسمله، اختلاف نظر دارند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ۸۹) بعضی از شافعیه و حمزه از قائلان جزئیت اختصاصی بسمله برای هر یک از سوره‌ها هستند؛ به احمد بن حنبل نیز همین قول نسبت داده شده است (ر.ک؛ خویی، ۱۳۹۵ق: ۴۳۹) مالک، أبو عمرو، یعقوب و مشهور حنفیه از قائلان استقلال آیه‌ای بسمله هستند (همان) استقلال آیه‌ای بسمله لازمه این است که بسمله از باب تیمن و تبرک در ابتدای هر سوره، نازل شده است و این دیدگاه نیز یکی از اقوال درباره بسمله است (همان) اکثر حنفیه قائل به وجوب قرائت بسمله در نماز قبل از حمد هستند (همان) ابن عباس قائل به نزول بسمله به عنوان معیار انقضاء سوره است (همان، ۴۴۲) واژه «اسم» از جهت لفظ، جزء مرکب تام بسمله است؛ معنای لفظی اسم نیز لفظ دال بر مسمی است که طبق یک نظر مشتق از سَمُو و به معنای رفعت و طبق یک نظر دیگر مشتق از «وسم» و به معنای علامت است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ۹۰) علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۱۷) لازمه معنای لفظی اسم (لفظ دال بر مسمی) غیریت اسم با مسمی است که به آن اسم ال‌اسم می‌گویند (ر.ک؛ علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۱۷) همین اسم که به لحاظ لفظ، جزء مرکب تام بسمله است یک معنای غیر لفظی دارد که عبارت

است از ذات مأخوذ به وصفی از اوصاف، و در این صورت اولاً جزء اعیان است و ثانیاً ملازم با عینیت اسم و مسمی است (ر.ک؛ علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۱۷).

برای مشاهده نقشه این بخش از اطلاعات بسمله به گراف آنتولوژی بسمله در تصویر ۱ مراجعه نمایید.

تصویر ۸.



بخش دیگر از اطلاعات مربوط به بسمله در بارع لفظ الله است که از نظر لفظ، جزء مرکب تام بسمله است؛ این لفظ اولاً به عنوان اسم انحصاری خدای سبحان است، ثانیاً از جهت لغت طبق یک نظر از ریشه «اله» و بر اساس یک نظر دیگر از ریشه «لاه» است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ۹۰) درباره الف و لام الله از جهت این که الف و لام تعریف است یا نه، اختلاف نظر است (همان) برخی می‌گویند الله از نظر معرفه بودن، اسم علم برای واجب الوجود تعالی است (ر.ک؛ بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ۵۲؛ علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۱۸) و دلیل معرفه بودن آن نیز موصوف بودن الله برای جمیع اسماء حسنی است (ر.ک؛ علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۸) لفظ الله که به آن لفظ جلاله گفته می‌شود به لحاظ معنای غیر لفظی اسم برای ذات مستجمع

جميع صفات کمالیه است (همان) مطلب دیگر در باره لفظ الله، مربوط به لام الله است که دو حکم تجویدی بر آن انطباق دارد؛ یکی از آن‌ها تغلیظ لام الله است و آن در صورتی است که حرف قبل از لام الله، مفتوح یا مضموم باشد و این هم به خاطر تفخیم ذکر خدا است؛ مورد دیگر ترفیق لام الله است و آن در صورتی است که حرف قبل از لام الله، مکسور باشد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۹۲) در منابع تفسیری درباره الرحمن و الرحیم که از نظر لفظی، جزء مرکب تام بسمله هستند اطلاعات فراوانی آمده است که به خاطر طولانی شدن مقاله، مورد بررسی قرار نگرفته است.

بخشی دیگر از اطلاعات پیرامون بسمله در منابع تفسیری، مربوط به روایاتی است که در این باره وارد شده که بیشتر ناظر به آثار و فواید ذکر آن است مانند: بسمله اول دعا که طبق روایت، مانع رد دعا است (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۰۰) نکته دیگر در همین رابطه، تأثیرگذاری بسمله، با توجه به تعداد حروف آن است که نوزده حرف است که طبق روایت، سپر در مقابل زبانی نوزده گانه است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱: ۹۰) از جمله آثار بسمله این است که اگر ابتدای هر کاری با بسمله شروع شود مانع ابتر بودن عمل می شود (ر.ک؛ علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۶).

مطلب دیگر پیرامون بسمله درباره قُرب بسمله به اسم اعظم است که طبق روایت امام صادق (ع) از جهت نزدیکی به اسم اعظم از سیاهی چشم به سفیدی نزدیکتر است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱: ۸۹)

مطلب دیگر در باب بسمله مربوط به مسائل و احکام فقهی آن است؛ مانند مسأله جهر بسمله در نماز که فقهای امت یعنی فقهای امامیه و اهل سنت درباره آن اختلاف نظر دارند؛ حکم تکلیفی آن به اتفاق اصحاب امامیه، وجوب جهر بسمله در نماز مجهوره و استحباب جهر بسمله در نماز اخفاتیه است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱: ۸۹) مسأله دیگر در همین باب، مسأله ترک بسمله در نماز است که حکم وضعی آن در نزد اصحاب امامیه، بطلان نماز واجب و مستحب است

قرآن است که در حقیقت مربوط به چرایی و فلسفه ابتدا به بسمله در قرآن است؛ در این باره چند نکته مطرح شده‌است؛ یکی این است که خداوند سبحان با این کار، معانی را با نام خود علامت گذاری کرده‌است. نکته دیگر این است که خداوند تعالی برای جلوگیری از بطلان عمل بندگانش از طریق ابتدای بسمله، آن‌ها را تأدیب کرده و ادب سخن گفتن با پروردگارش را به آن‌ها یاد داده‌است (ر.ک؛ علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج: ۱، ۱۵). مطلب دیگر پیرامون بسمله درباره‌ی متعلق بای بسمله به عنوان یکی از مباحث نحوی است؛ یک دیدگاه این است که متعلق آن هدایت عباد است و این در صورتی است که متعلق آن نسبت به کلیت قرآن در نظر گرفته شود (ر.ک؛ همان، ۱۶) اما متعلق آن نسبت به هر یک از سوره‌ها متفاوت است مثلاً درباره‌ی متعلق بای بسمله حمد چند نظر مطرح است؛ یک نظر این است که متعلق آن، ابتدا به نام خدا برای تتمیم اخلاص در عبودیت است. نظر دیگر، متعلق آن را استعانت به نام خدا برای اظهار عبودیت دانسته‌است (همان، ۱۷). مطلب دیگر در باره ارتباط بسمله با هر یک از سوره‌های قرآن است؛ یک نظر این است که بسمله هر سوره با غرض خاص همان سوره مرتبط است و این نکته ملازم این است که هر یک از سوره‌های قرآن وحدت مختص به خود را دارد. مثلاً غرض سوره حمد طبق این دیدگاه اظهار عبودیت به اسم خداوند است بنابراین بسمله سوره حمد مرتبط با همین غرض است (همان).

برای مشاهده نقشه این بخش از اطلاعات بسمله به گراف آنتولوژی بسمله در تصویر ۴ مراجعه

نمایید.

تصویر ۱۱.



۸. بحث و نتیجه گیری

در این مقاله، موضوعاتی که به نوعی با بسمله ارتباط داشته‌اند کشف گردیده و میان آنها ارتباط وجودی برقرار شده و در نتیجه، بستر برای فهمی جامع و کامل از بسمله ارائه گردیده‌است. بدیهی است احاطه و اشراف به یک مفهوم، منوط به احاطه و اشراف به نقشه هندسی آن موضوع است و این مهم بدون تبیین دقیق ارتباطات آن با مفاهیم دیگر حاصل نمی‌شود؛ و این ارتباطات نیز باید با واقعیت آن مفهوم یعنی منابعی که در باره آن بحث شده‌است مطابقت داشته باشد. واقعیت بسمله در منابع دینی اعم از قرآن، روایات و متون تفسیری، با موضوعات مختلفی در ارتباط است که در

در این مقاله نقشه هندسی آن به تصویر کشده شده است؛ اضلاع این نقشه عبارتند از: مسأله نجات، تجوید، قرائت و قُرْآء، ابتدا و انتهای سوره، اسم الهی و اسم اعظم، جهر و اخفات نماز، صحت و بطلان نماز، پذیرش و رد دعا، صحت و بطلان عمل، ادب سخن با پروردگار و

منابع

۱. ابن عربی، محی‌الدین. (بی‌تا). الدرالمکنون. نسخه خطی.
۲. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳. الهی، شعبان. (۱۳۷۸). «سیستم‌های هوشمند اطلاعات و مدیریت: رویکرد فازی - عصبی». مجله مدرس علوم انسانی. شماره ۱۰.
۴. بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: نشر بنیاد بعثت.
۵. بلاغی، محمد جواد. (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: نشر بنیاد بعثت.
۶. بهشتی، ملوک‌السادات. (۱۳۹۳). «طراحی و پیاده‌سازی علوم پایه بر اساس مفاهیم و روابط موجود در اصطلاح‌نامه‌های مرتبط». مجله پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات. دوره ۳۰. شماره ۳.
۷. پایدار، صمد. (۱۳۸۹). «مهندسی هستی‌شناسی». سایت <http://wwatlab.um.ac.ar>
۸. جمعی از محققان. (۱۳۹۴). فرهنگ‌نامه علوم قرآنی. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول.
۹. خویی، ابوالقاسم. (۱۳۹۵ق). البیان فی تفسیر القرآن. تهران: نشر دارالزهراء.

۱۰. درودی، فریبرز (۱۳۸۶). «مقاله وب معنایی و هستی شناسی»، کتاب کلیات ماه، ش ۱۰.
۱۱. زرقانی، محمدبن عبدالعظیم (۱۴۱۶ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. بیروت.
۱۲. شریف، عاطفه. (۱۳۸۷). «کاربرد هستی شناسی در مدیریت دانش». مجله کتابداری و اطلاع رسانی. ش ۳.
۱۳. شیخ شعاعی، فاطمه. (۱۳۸۴). «هستی شناسی ها و وب معنایی». مجله فصلنامه کتاب. ش ۴.
۱۴. صفری، مهدی. (۱۳۸۳). «مدل سازی مفهومی در بازنمون رسمی دانش شناختی در هوش مصنوعی و نظام های اطلاعاتی». مجله اطلاع شناسی. ش ۴.
۱۵. صنعت جو، اعظم. (۱۳۸۴). «ضرورت بازنگری در ساختار اصطلاح نامه ها». مجله فصلنامه کتاب. ش ۶۴.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۷. علامه طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. علی محمدی، داریوش. (۱۳۸۹). *رویکردهای و راهکارهای نوین سازمان دهی اطلاعات*. نشر کتابدار. تهران: چاپ اول.
۱۹. فتاحی، رحمت الله. ریسمان باف، امیر. (۱۳۹۵). *بازشناختی از دانش شناسی*. تهران: نشر کتابدار.
۲۰. قانعی، محمد. (۱۳۹۶). «کاهش ویژگی سیستم های اطلاعاتی ناقص بر مبنای تئوری مجموعه راف با استفاده از الگوریتم رقابت استعماری فازی». مجله مدیریت فناوری اطلاعات. شماره ۱.

۲۱. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۴). اصطلاح‌نامه معارف قرآن. چ اول. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

